

# کمک آمریکا؟! نمک پاش دل ریش!

حسن بهگر

## اقدامات نسنجیده

آمریکا در طی تاریخ خود در روابط با ایران و باکشورهای خاورمیانه ناپختگی و نسنجیدگی های بسیار کرده و لطمات جبران ناپذیری زده که کودتای 28 مرداد و حمایت از بنیادگرایی در منطقه از آن جمله است. اگر این کودتا نبود، اگر حمایت گسترده از بنیادگرایی نبود ایران اکنون کشوری دموکرات بود و نیازی نبود تا آمریکا برای به اصطلاح دموکراتیزه کردن منطقه به اقدامات نمایشی در بحرین و کویت متوسل شود. برژینسکی در این رابطه چنین استدلال می کند: «چه چیزی در تاریخ مهم تر است؟ وجود طالبان یا فروپاشی شوروی؟ وجود یک تعداد مسلمان های به هیجان آمده یا آزادی اروپای مرکزی و پایان جنگ سرد؟» \* اگر حمایت از مجاهدان افغان در برابر شوروی امری درست بود که تا به قول او به آنها مزه ی یک «ویتنام» شوروی را بچشانند، ادامه این سیاست چه لزوم و چه ثمری داشت؟ ادامه ی این سیاست خانمان سوز در افغانستان یعنی حمایت از چهرهای بنیادگرایی همچون گلبدین حکمتیار و بن لادن و ... شخصیت های محبوب مشترک پاکستان، عربستان سعودی و ایالات متحده بود که سرانجام منجر به ترور احمد شاه مسعود شد و ملت افغانستان را از رهبری ملی محروم ساخت. دیگر اینکه تکلیف کشورهایی مانند ایران که در این میان پایمال سیاست های آمریکا می شوند چیست؟ چه کسی توان خون های پایمال شده جوانان ما را در راه دموکراسی و آزادی پرداخت می کند؟

## دفاع از حقوق بشر و دموکراسی و آزادی

یادمان نرود آمریکا حکومت شاه را که مبتلا به بیماری جدی روانی و جسمی بود با سیاست دفاع از حقوق بشر در تنگنا گذاشت تا از تهاجم احتمالی شوروی که افغانستان را نیز اشغال کرده بود در امان نگهدارد. شاه بیمار و دیکتاتور در برابر سیاست حقوق بشر

کارتر کمی مقاومت کرد و سپس موقتا تسلیم شد تا توفان را از سر بگذرانند. وقتی سیروس ونس به ایران آمد سخنرانی او در مورد رعایت حقوق بشر که آشکارا روی به شاه داشت در جراید آن زمان ایران چاپ نشد. ایالات متحده آمریکا ناچار این سخنرانی را در بولتن هفتگی خود به زبان فارسی چاپ کرد و پس از چند روز روزنامه رستاخیز با چاپ آن نشان داد که دیوار سکوت ترک برداشته است! سیاست پاس دادن توپ به شاه و خمینی از جانب آمریکا مدت ها ادامه داشت و سرانجام چون مردم به صحنه آمدند و خمینی ظرفیت ایستادگی در برابر کمونیسم را داشت آمریکا از پشتیبانی شاه دست برداشت.

این روزها آمریکا نیز با شعار دموکراسی و آزادی و حقوق بشر به میدان آمده ، با این تفاوت که حکومت ایران آشکارا مخالفان را می کشد و به زندان می اندازد و با حربه ی دین از هیچ جنایتی فروگذار نمی کند. گروه ها و سازمان های سیاسی در زمان شاه سرکوب شدند ولی بیشتر آخوندها از حمایت شاه برخوردار بودند و سازمانشان برجاماند بسیاری از ملایانی هم که در دستگاه حکومتی بودند و یا جیره خور ساواک و حکومت شده بودند به خمینی پیوستند. اما اکنون افزون بر سرکوب شدن سازمان ها و گروه ها که در شرایط علنی پس از انقلاب شناسایی و نابود شدند، دیگر گروه های بالقوه خطر آفرین مانند سران عشایرو ایلات نیز از پای در آمده اند و در حقیقت هیچ سازمان و گروهی که توانایی ایستادن در مقابل این حکومت را داشته باشد به صورت سازمان یافته موجود نیست . این بدان معنی نیست که ایران نمی تواند یک اپوزیسیون یک پارچه و مترقی و دموکرات نداشته باشد. اپوزیسیون ایران به یک دوره فترت ، یعنی برداشتن دست حکومت از سرملت نیاز دارد که خود را باز یابد و سازمان دهد. ملتی را که در سد سال گذشته سه انقلاب کرده نمی توان با افغانستان و عراق مقایسه کرد. همه ی دوران های سیاسی پر بار ما در دوران های فترت بوده است ؛ نگاه کنید به سال های پس از شهریور 1320 و سال های 39-40 .

## افسانه‌ی کمک‌های مالی

در سال‌های اخیر بارها شنیده ایم که آمریکا پول‌هایی را برای براندازی رژیم اختصاص داده است. در صورت صحت داشتن این ادعاها، اینکه این پول‌ها به چه مصارفی رسیده کسی نمی‌داند و گزارشی هم در این مورد انتشار نیافته است و کسی هم از کم و کیف این کمک‌ها چیزی نمی‌داند و در سال‌های گذشته جسته و گریخته دو سه نفر از سردمداران اپوزیسیون نامشان درز کرده که کتاب زندگی سیاسی آنها بدین وسیله بسته شده است. ما می‌دانیم که سالیان دراز است آمریکا برای براندازی حکومت فیدل کاسترو در کوبا آنهم در همسایگی خود کوشش می‌کند و موفق نمی‌شود. بنابراین اراده و پول آمریکا این ابرقدرتی که به خود غره شده دلیل بر پیروز شدن بر حکومت‌های کوچکی چون فیدل کاسترو هم نیست.

آخرین اعلام این کمک‌ها در خواست خانم کاندولیزا رایس از کنگره مبنی بر تخصیص 75 میلیون دلار است. بنگرید با این 75 میلیون دلار چه کار‌هایی می‌خواهند انجام دهند:

یاری به جامعه مدنی ایران، افزایش بودجه شبکه‌های تلویزیونی فارسی زبان، تقویت دموکراسی در ایران، بورس‌های تحصیلی و افزایش ارتباط میان مردم دو کشور آمریکا و ایران. افزون بر آن 10 میلیون دلار از آن نیز به پشتیبانی از فعالیت‌های اپوزیسیون، اتحادیه‌های کارگری و فعالان حقوق بشر داخل و خارج کشور اختصاص خواهد یافت. برخی از رهبران اپوزیسیون بی‌اعتباری خود را نشان داده‌اند ولی نمی‌دانستیم که فعالان حقوق بشر و اتحادیه‌های کارگری نیز باید حقوق بگیر آمریکا باشند!؟ ادعاهایی این چنین در باره‌ی یاری به اصطلاح اپوزیسیون همواره در حالی صورت گرفته که آمریکا برای رفع مشکلات روزانه خود هیچ‌گاه مانعی ندیده که به استقبال مقامات جمهوری اسلامی با انجیل و کیک بشتابد (چنانچه مک‌فارلان به نیابت از ریگان جمهوریخواه به دیدار رفسنجانی شتافت). معامله در مورد گروگان‌ها در زمان ریگان و افتضاح ایران گیت و ایران کنتر از نمونه‌های زنده این سیاست پراگماتیستی آمریکا بوده است. کسی نمی‌تواند آمریکا را ملامت کند، این بدان معناست که آمریکا در قبال ایران

تعهدی ندارد و نباید هم داشته باشد. مقامات امریکایی در برابر شهروندان کشور خویش مسئولند که با آرای آنها انتخاب شده اند و باید حافظ منافع آنها باشند. پس اعلام این کمک ها با چه هدفی صورتی می پذیرد؟

پرسش های بسیاری مطرح است که صحت این کمک ها را مورد تردید قرار می دهد، آمریکا با هزینه کردن میلیاردها دلار در افغانستان و عراق هنوز نتوانسته است آرامش پس از دیکتاتوری رژیم ها را مستقر کند و چگونه می خواهد با این مبلغ در ایران هم براندازی و هم سازندگی کند؟

### هدف آمریکا از تغییر رژیم اسلامی چیست؟

می توان در خوشبینانه ترین تحلیل گفت که آمریکا پس از 11 سپتامبر دیگر دست از حمایت بنیادگرایی دینی برداشته و به این نتیجه رسیده است که تروریسم اسلامی فرآورده کشورهای مستبد و توسعه نیافته منطقه است برای مقابله با آن و همچنین رویارویی با رقبای روسی و چینی با حربه ی دموکراسی و آزادی و حقوق بشر به میدان آمده که آب رفته را به جوی بازگرداند، می خواهد تغییراتی در ساختار حکومتی آنها به وجود آورد و مردم این کشورها را به طرف خود جلب نماید.

ما وارد این بحث نمی شویم که آیا آمریکا تا کنون موفق بوده است یا نه، مساله مرکزی ما ایران و منافع ملی ماست. تغییرات در همسایگی ما و رفتن طالبان و صدام به نفع ایران بوده است و در صورت وجود یک حکومت ملی بهترین فرصت برای بهینه کردن روابط با غرب می بود؛ اما در شرایط فعلی رفتن این رژیم کشتار و جهل حاکم بر ایران آرزوی هر ایرانی آزاده و خردمندی است؛ اما آیا اعلام این کمک ها و این تبلیغات به مبارزه مردم با حکومت اسلامی یاری می رساند؟

شک نیست رسانه های همگانی اروپا و آمریکا در سال های اخیر حساسیت بیشتری نسبت به حقوق بشر نشان می دهند و این قدم بسیار مثبتی است و آن را باید قدر دانست که می گذارند صداها ی آزادی خواهانه و حق طلبانه مردم با وجود کوشش بی امان حکومت اسلامی برای بریدن آن انعکاس پیدا کند. اما این یاری به چه بهایی می خواهد برای مردم

ایران تمام شود؟ سیاست آمریکا برای به کار بردن کمر بند سبز در مقابله با کمونیسم که به استقرار حکومت اسلامی انجامید برای مردم خسارت ها و هزینه های وحشتناکی به بار آورد. آیا آمریکا با اعلام این کمک ها نمی خواهد و انمود نماید که همه راه ها به واشنگتن ختم می شود تا با این کارهای نمایشی اپوزیسیون دست آموز خود را وارد معرکه کند؟ زیرا بر کسی پوشیده نیست اعلام این گونه خبرها نخست استقلال نیروهای اپوزیسیون، به ویژه در درجه ی اول آنهایی که در ایران هستند را زیر سوال می برد و هر گونه اقدام علیه حکومت اسلامی طرفداری از آمریکا به حساب می آید در نتیجه اولین خسارت این نوع کمک ها زیر ضرب بردن اپوزیسیون است. بدین ترتیب آیا این توهم به وجود نمی آید که آمریکا می خواهد از پیش جنبش علیه حکومت اسلامی را به نفع خود مصادره کند؟ و این بر خلاف خواست همه ایرانیان استقلال خواه می باشد. ( نمونه دیگر در گرماگرم اختلاف به اصلاح طلبان با جناح مستبد ناگهان آمریکا اعلام کرد که از اصلاح طلبان حمایت می کند. اصلاح طلبان داخل کشور چگونه می توانستند به مبارزه ی خود ادامه دهند؟ هرگونه اقدام علیه حکومت اسلامی طرفداری از آمریکا به حساب می آمد و بدین ترتیب همواره مبارزه اپوزیسیون و مخالفان حکومت اسلامی دستاویزی خواهد بود برای چانه زنی آمریکا با حکومت اسلامی. ) پس اظهار چنین سخنانی نه تنها به جنبش کمک نمی کند بلکه بهانه ای به دست حکومت می دهد تا با آن اپوزیسیون را قلع و قمع کند.

اگر چنانچه آمریکا خواستار دوستی با مردم ایران است که متحدی نیرومند و موثری در خاورمیانه می باشد باید از هرگونه سازش با حکومت واپس گرا و ستمگر اسلامی بپرهیزد و استقلال و یکپارچگی ایران را محترم بشمارد. به جز آن تکرار تجربه ی حکومت شاه و کودتای 28 مرداد برای هیچ یک از طرفین سودی نخواهد داشت. ایران مستقل و دموکرات نه با آمریکا و نه با اسرائیل و نه با هیچ کشور دیگری دشمنی و ستیز ندارد.

21 فوریه 2006

